

## نوآوری، تجزیه و ترکیب اوزان در غزل معاصر

( با تکیه بر اشعار آرش آذرپیک )

### نیلوفر مسیح

چکیده: مقاله ی حاضر، با هدف کلی بررسی میزان نوآوری، تجزیه و ترکیب اوزان عروضی در غزل معاصر با تکیه بر موسیقی شعر آرش آذرپیک گردآوری و تدوین شده است. با توجه به اینکه هیچ یک از شاعران پسا سیمینی در وزن عروضی و موسیقی نوآوری نداشته اند؛ و اغلب از اوزان جویباری بهره برده اند آرش آذرپیک اما یکی از ادامه دهندگان راه سیمین است. که در اوزان ابداعی وی با بسامد فراوان غزل سروده و دست به نوآوری نیز زده است. در این مقاله اوزان پر کاربرد، نوآور و کلاسیک که مشخص گردیده و ذکر خواهد شد؛ مورد تحلیل واقع شده است. در پایان نیز با توجه به شواهد، به این نتیجه رسیده ایم که آذرپیک شاعری مبدع و نوآور است.

کلید واژگان: وزن، اوزان جدید، آرش آذرپیک

مقدمه:

هر عاطفه و احساسی که در قالب زبان شعر ظهور یابد با وزن مناسب و هماهنگی می تواند تاثیرگذار باشد، و القای معنی کند. چنانچه در تعریف وزن خواجه نصیر می گوید: « وزن هیاتی است تابع نظام ترتیب حرکاتو سکنتات و تناسب آن در عدد و مقدار که نفس از ادراک آن هیات، لذتی مخصوص می یابد.» ( خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۳: ۳) زرین کوب نیز معتقد است: « در شعر اگر بتوان از قافیه صرف نظر کرد، ظاهرا از وزن نمی توان، وزن که عبارت است از وجود نوعی نظم در اصوات کلام، به سبب خیال انگیزی که دارد. حتی نزد منطقی ها هم جزو ماهیت شعر است.» ( زرین کوب، ۱۳۵۶: ۹۴) شاعران معاصر پس از انقلاب نیما در تلاش بودند که فضا و ذهن و زبان زمانه ی خود را در غزل وارد کنند. به همین علت، سیمین بهبهانی دست به نوآوری هایی در حیطه ی وزن و محتوای غزل زد چنانچه حسن لی می گوید: « ابداع اوزان تازه،

اگر چه از دوره ی قاجار، کم کم آغاز شد اما در وزن نیز کسانی چون سایه، حسین منزوی، و سیمین بهبهانی و چند تن دیگر، اوزان تازه در غزل دارند. (حسن لی، ۴۶۵)

آذریک نیز علاوه بر نوآوری در فرم در موسیقی و وزن غزل نیز نوآوری های کم سابقه داشته است، که مختص شعر اوست.

بحث و بررسی:

آذریک علاوه بر مجموعه فراشعر و فراداستان و واژانه، چندین مجموعه غزل با نام های «لیلا زانا، دختر اسطوره های سرزمین من» در سال ۱۳۸۳ حاوی آثار شاعر از تابستان ۱۳۷۷ تا بهار ۱۳۸۰ و «دوشیزه به عشق باز می گردد» در سال ۱۳۹۷، حاوی آثار شاعر از سال ۱۳۸۰ تا اکنون می باشد؛ منتشر کرده است. که در مجموع حاوی ۸۲ غزل می باشد. در ادامه برای پاسخ به این پرسش که ۱\_ آذریک برای برون رفت از محدودیت فرم بیرونی غزل (موسیقی و وزن) چگونه عمل نموده است/ و ۲\_ آیا آذریک به عنوان یکی از کسانی که در این دو دهه دست به نوآوری در فرم درونی زده است و غزل مینیمال و غزل گفتار را ارائه کرده است، مبدع وزن تازه یا نوآوری در حیطه ی وزن بوده است؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ مبدع چند وزن ابداعی است؟ برای رسیدن به پاسخ سوالات فوق، ابتدا وزن غزل های آذریک به دقت استخراج شده، و سپس وزن های سنتی، سیمینی، و وزن نو جدا شده و برای هر کدام نمونه هایی ذکر شده است. و سپس عملکرد آذریک در نوآوری در وزن مورد بررسی قرار گرفته است.

وزن غزل های آذریک:

۱\_ غزل هایی که با وزن آشنا سروده شده اند: در غزل پسا سیمین اغلب غزل سرایان (موسوی و میرزایی، بهمنی و ...) در زمینه ی ایجاد وزن جدید، نوآوری های اندکی داشته اند که قابل اغماض و چشم پوشی است و اغلب در وزن های جویباری و خیزابی شعر سروده اند. آذریک نیز همچون دیگر غزل سرایان از این اوزان در غزل بهره برده است. که از آنها در ذیل نام می بریم.

الف) اوزان خیزابی:

مفتعلن مفاعلن از وزن هایی است که در غزلیات مولوی متعدد از آن استفاده شده است. در این بحر بیت هایی از مولوی با حالت شور، وجد و هیجان مشاهده می کنیم.

مرده بودم، زنده شدم، گریه بودم، خنده شدم دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم  
این بحر جزء بحور خیزابی محسوب می شود و طنطنه ی کلام و ضرب و تاکید را حفظ می کند  
که متناسب با مضامین مدح و منقبت است. ( شفیع کدکنی، ۱۳۹۳: )  
از مجموع ۸۲ غزل، ۱۴ غزل دارای وزن خیزابی می باشد از جمله وزن های خیزابی مورد استفاده  
توسط اذریبیک عبارتند از:

« فاعلات فاعلات فاعلات فاعلات » ( ۳ مورد)

پیش از گفتن تمام شعر من را خوانده بود روی دیوار کنار پنجره چسبانده بود  
( آذریبیک، ۱۳۹۷: ۱۰۲ )

« مستفععلن، مستفععلن، مستفععلن، فععلن » ( ۲ مورد)

یک صبح ابری، کوچه آماج هجوم باد یکباره عاشق خاک شد بر پای او افتاد  
( آذریبیک، ۱۳۸۳: ۱۶ )

« فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلات » ( ۳ مورد)

یک غروب باستانی، دشت رویا\_ ناگهان اسب تک شاخ خدایان، مرد تنها ناگهان  
( همان: ۱۹ )

« فاعلات، فاعلات، فاعلات، فع » ( ۱ مورد)

شب شده است و تک سوار می زند به آب با وقار بی قرار می زند به آب  
( همان: ۲۴ )

« فعولن، فعولن، فعولن، فعولن » ( ۱ مورد)

مکان\_ روبه روی شمال و جنوب است زمان\_ حول و حوش طلوع و غروب است.  
( همان: ۳۵ )

« مستفعلن، مفعولن، مستفعلن، مفعولن » ( ۱ مورد)

نبض زمان بر همخورد اما نمی فهمیدند شاعر که فهمید و گفتتنها به او خندیدند

( آذریک، ۱۳۹۷: ۱۰۴ )

« مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن، فع » ( ۳ مورد)

انسان تناروح است، این حف خدا بود انسان تناروح است، این تنها صدا بود

(همان: ۱۴۰)

(ب) اوزان دوری:

در وزن های دوری، هر مصراع از دو نیم مصراع تشکیل می شود. و این اوزان هم از بحور مختلف الرکان و هم متحد الرکان ساخته می شوند. « اینگونه اوزان در عروض عرب نیست، و وجود آنها در اشعار دوره ی سامانی خود دلیل است بر اینکه، این اوزان ریشه در اوزان پهلوی داشته است. (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۰: ۱۱۴) از ویژگی های اوزان دوری وجود مکث دو نیم مصراع، زوج بودن هجا و متناوب الرکان الرکان بودن است. و باید توجه داشت که اوزان دوری خوش آهنگ ترین اوزان شعری هستند. و نیز قسمت اعظم و زایای عروض فارسی بر عهده ی اوزان دوری است. زیرا با ترکیب ارکان مختلف می توان اوزان تازه ساخت. (شمیسا، ۱۳۷۸: ۶۲)

از مجموع ۸۲ غزل، ۱۵ غزل در اوزان دوری سروده شده اند. که وزن وزن هر یک با دیگری متفاوت است. این اوزان عبارتند از:

« فعلاتن، مفاعلن، فعلات / فعلاتن، مفاعلن، فعلات » ( ۱۱ مورد)

شاه بانوی دودمان عرب، نام او راکعه نه! رابعه بود

پیش او گل سیاه مشق زمین، پیش او ماه، سطر فاجعه بود

( آذریک، ۱۳۸۳: ۴۳۹ )

« مفعول، فاعلات، فاعولن / مفعول، فاعلات، فاعولن » ( ۱ مورد)

زن در خودش همیشه خزان است / شاید که نو بهار بیاید

یعنی امید زندگی او / با اسب بالدار بیاید

( آذربیک، ۱۳۹۷: ۱۴۶ )

« فعلات، فعلات، فعلات / فعلات، فعلات، فعلات » ( ۱ مورد)

سیصد و چند شماره... انگار / تلفن مسخره کرده من را

باز می گیرم و باید حتما / پشت خط گوش کنم یک زن را

( همان: ۱۳۰ )

« فاعلات، فاعلات، فاعلات / فاعلات، فاعلات » ( ۱ مورد)

بر جنون این غزل / یک خلیفه در من است

عاشقی که هر شبش / کام جوی یک زن است

( همان: ۱۲۲ )

« فعلاتن، فعلاتن، فعلاتن / فعلاتن، فعلاتن، فعلاتن » ( ۱ مورد)

ماه و امواج ستاره آرام / همه جا را با نور آکنند

مردم شانه به شانه دارند / باز هم همه شان می خندند.

( همان: ۱۱۶ )

این ویژگی که در اشعار بسیاری از شاعران از جمله رودکی و مولوی، هم نمونه هایی دارد با نام

شعر مسجعیا مسمط چهار خانه و مسمط قدیم مشهور است. ( شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۹۲ )

ج) اوزان جویباری:

دسته ی دیگری از اوزان، مانند وزن « مفعول، فاعلات، مفاعیلن، فاعلن » با نام وزن های جویباری،

خاصیت بنیادین دارند و قابلیت ارائه ی مفاهیم مختلف، عارفانه، غنایی، مرثیه، و حماسی را

دارند که در مجموع غزل های حافظ و سعدی فراوان به چشم می خورند. ( شفیع کدکنی،

۱۳۹۳: )

در مجموع ۸۲ غزل، ۴۴ غزل در اوزان جویباری، سروده شده اند. در غزل آذربیک همچون هم نسلانش، اوزان جویباری کاربرد بیشتری نسبت به سایر اوزان، داشته اند. از جمله اوزان جویباری در غزل آرش آذربیک عبارتند از:

« فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن » ( ۱۶ مورد)

شب شد و یک سایه آمد باز بر متن / کوله اش را کرد کم کم باز بر متن

( آذربیک، ۱۳۹۷: ۹۷ )

« مفاعلهن، فاعلاتن، مفاعلهن، فعلات » ( ۴ مورد)

ستاره دسته دسته میان چشمانش

دو خوشه ی پیوسته میان چشمانش

( همان: ۱۱۰ )

« فاعلاتن، مفاعلهن، فعلات » ( ۳ مورد)

آمد و دست داد و حرف نزد / گوشه ای ایستاد و حرف نزد

( همان: ۹۹ )

« فاعلاتن، فعلن، فاعلاتن، فعلن » ( ۴ مورد)

شب آرام، نسیم، کوچه است و شاعر ناگهان تق تق پا، سایه ی یک عابر

( همان: ۱۰۸ )

« مفعول، فاعلات، مفاعیل، فاعلاتم » ( ۱۱ مورد)

زن با صدای گیتار پرواز می کند زن با صدای گیتار بی هوش می شود

( همان: ۱۱۹ )

« فاعلاتن، فاعلاتن، فعلات » ( ۴ مورد)

صبح شد که به دلم بد افتاد بر یقین سایه ی شاید افتاد ( همان: ۱۵۲ )

« مفتعلن، فاعلات، مفتعلن، فع » ( ۱ مورد)

شب شد بر قله ی سیاه هزاره      شاعر فریاد شد- آهای ستاره!  
( آذریک ، ۱۳۸۳: ۱۲ )

« مفعول، مفاعل، مفاعیل، فع » ( ۱ مورد)

تا نیمه سطل شیر را خالی کرد      رفت و یک نیمه سطل هم آب آورد  
( همان: ۲۹ )

۲\_ اوزان جدید: در اشعار آذریک، تعداد محدودی هم وزن تازه به چشم می خورد. از مجموع ۸۲ غزل، ۱۳ غزل در اوزان تازه و یا با ابتکارات تازه در وزن و موسیقی وجود دارد، توجه به اوزان تازه یا سرودن غزل در اوزان ابداعی سیمین یکی از بارزترین ویژگی های موسیقی در غزل آذریک است.

توجه به اوزان تازه در غزل آرش آذریک شامل:

۱\_ وزن هایی که صرفا ابداع خود شاعر هستند.

۲\_ وزن هایی که ابداع سیمین بهبهانی هستند و آذریک به عنوان یکی از شاگردان ایشان از این اوزان در غزل خود بهره برده است.

۳\_ اوزان غزل یا مثنوی گذشتگان که آذریک به طور مبسوطی از آنها در غزل بهره برده است. در واقع غزل مینیمال و غزل گفتار که فضاهای تازه در غزل معاصر هستند با حفظ ارزش های موسیقایی عروض سنتی و در چهارچوب تناسب کمی و کیفی هجاهای که جوهر اصلی وزن شعر فارسی است، به ایجاد اوزانی کاملا نو و منحصر به فرد نیازمندند، که آذریک به منظور آشنایی زدایی از فرم درونی غزل، غزل مینیمال و گفتار را به ادبیات معرفی و ارائه کرده است. از جمله این اوزان تازه می توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف) اوزان تازه:

« فاعلاتن فاعل » ( ۲ مورد)

قایق ماهیگیر روی دریا می رفت      مثل قویی آرام، نرم و زیبا می رفت

کودک ماهیگی، کنج آن قایق پیر      پی یک لقمه ی نان، تک و تنها می رفت

( آذریک، ۱۳۸۳: ۵ )

یک زمستان سرد، برف را پایان نیست      خانه ای ویرانه شعله ای در آن نیست

( همان: ۶ )

ب) استفاده از وزن مثنوی در غزل به علت نزدیک بودن به وزن به دکلماسیون طبیعی کلام

بچه ماهی به تور می نگرست      راز این پرده ی مشبک چیست؟

پدر و مادر مرا هم برد      راستی این فرشته ی ما نیست؟

( همان: ۱۱ )

در شعر « اسب وحشی » از مجموعه « لایلا زانا » نیز وزن مثنوی در غزل آمده که دو پاره شده است.

ج) مفعول، فاعلات، فع: در شعر گذشته وزن کوتاه سابقه نداشته است اما علاوه بر سیمین بهبهانی، آرش آذریک نیز از جمله کسانی است که در غزلش از اوزان کوتاه استفاده می کند.

هی آهن اتفاق افتاد      هی آهن اتفاق افتاد

آهن تمام دنیا شد      ... که دشمن اتفاق افتاد

( همان: ۳۰ )

۳\_ اوزان سیمینی:

اوزان سیمینی اوزانی هستند که سیمین بهبهانی ابداع و کشف و در غزلش از آنها بهره برده است. آذریک نیز به کرات و بسامد فراوان از این اوزان استفاده کرده است که چند نمونه از آنها به شرح زیر می باشد.

الف) مستفعلن مفاعیلن / مستفعلن مفاعیلن

یک ناشناس بی لبخند، مثل غروبها، تنها





ب) فعلاتن، مفاعلن، فعلات:

قایق واژگونه روی آب/ قصه ی یک جوان نا کام است

مرغ وحشی نشسته روی آن / غافل از قصه شاد و آرام است. ( آذربیک، ۱۳۹۷: ۱۶۳)

آذربیک ترجیح می دهد عبارات و مفاهیم ذهنی خود را ابتدا در وزن « فعلاتن، مفاعلن، فعلات » که یکی از اوزان ابتدایی سیمین می باشد، بیاورد. این وزن به علت نزدیک بودن به دکلماسیون طبیعی کلام مورد علاقه ی اوست واز مجموع ۸۲ غزل بیشترین بسامد را به خود اختصاص می دهد.

دار قالیچه، دختر زیبا                      آیش آسمان آینه ها

« آه! تنها سوار صاعقه پوش                      یک بهار کویریم، اینجا...»

( آذربیک، ۱۳۸۳: ۱۳)

دومین وزن مورد توجه آذربیک وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن می باشد که حدود ۱۶ غزل ۱ به خود اختصاص می دهد و پس از آن وزن مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات می باشد که حدود ۱۱ غزل در این وزن سروده شده اند.

۵\_ اوزان متعارف و نا متعارف: استفاده از اوزان کم کاربرد اخیرا در میان غزلیات شاعران معاصر دیده شده است، بلند ترین وزن معمول، مشتمل بر ۲۰ هجاست، این گونه وزن ها در شعر فارسیچندان معمول نیست و اگر شاعری گاهی به آنها رغبت کرده است، کار او از نوع تفنن شمرده می شود. تحقیقات نشان می دهد که این تفنن را نخست سلمان ساوجی ابداع کرده است. (خانلری، ۱۳۳۳: ۳۳۴) آذربیک از جمله شاعرانی است که نه تنها اسیر چارچوبه ی محدود وزن در غزل نشده است. بلکه با فراروی به سمت دیگران اوزان و بازگشت اوانگارد به اصالت های فرارو \_ در اینجا انواع اوزان کلاسیک و کم کاربرد\_ از تجربه ی انواع وزن غافل نمانده است. و از اوزان نامتعارف در جهت انتقال اندیشه و تصویر بهره برده است.

الف) مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن، فعلن

ماه و نسیم و پنجره آمد، توقف کرد یکباره، چشمانش مرا در خود تصرف کرد

( آذربیک ، ۱۳۸۳: ۳۱ )

(ب) فاعلاتن، فعولن، فعولن

سالها این چنین می گذشتند، تا که یک روز ناباورانه

چشم وا کرد و یکباره فهمید باز در دشت، تنهای تنهاست

( همان: ۳۳ )

این وزن از اوزان نظامی گنجوی بوده است که در شعر معاصر کاربرد ندارد اما آذربیک این وزن را احیاء و چندین غزل در این وزن سروده است.

۶\_ کمیت و کیفیت هجاها: یکی دیگر از جوانب موسیقی کلمات این است که، ساختار آوایی کلمه، خود علاوه بر نقش معنایی و رسانگی خویش، از رهگذر مجموعه اصوات به گونه ای غیر مستقیم، مفهوم مورد نظر شاعر را ابلاغ می کند. ( شفیع کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۱۸ )

آذربیک در غزل خویش گاهی اوقات با استفاده ی متناسب از هجاهای کوتاه و بلند فضای ذهنی خود را با مخاطب به اشتراک می گذارد و خود و مخاطب با موسیقی طبیعی و هجای کلمات برای انتقال، معنا و تصویر همراه می شوند.

(الف) فاعلات، فاعلات، فاعلات، فاعلات

اسب شیهه می کشد و باز پیش می رود باد هم به گرد چهار نعل او نمی رسد

می رود و موج نور چشم های من، در آن سرعت شراره خیز او شکسته می شود.

( آذربیک، ۱۳۹۷: ۱۰۵ )

طنین هجاهای « م، ن، و، ر » در بیت دوم و طنین هجاهای « س، ش، » در مصرع اول ریتم صدای پای اسب و سرعت را در متن طنین انداز کرده است. به گونه ای که مخاطب این ابیات را به تندی می خواند.

بر جنون این غزل / یک خلیفه در من است

عاشقی که هر شبش / کام جوی یک زن است

با طلوع آفتاب / شاه بانوی جوان

جیغ می شود که: «وای!! تیغ روی گردن است»

( همان: ۱۲۲ )

این اشعار معمولاً در اوزان خیزابی و پر طنطنه سروده شده اند. اوزانی که در غزل های پر شود مولانا یافت می شود.

ب) فاعلات، فاعلات، فاعلات، فع

شب شده است و تک سوار می زند به آب

با وقار، بی قرار می زند به آب

مثل شاهزاده ی قصر قصه ها

می رود هزار بار می زند به آب

( آذریک، ۱۳۸۳: ۲۴ )

در این غزل نیز که از اوزان خیزابی بهره برده است، طنین و تکرار اصوات کوتاه و بلند ریتم صدای پای اسب را طنین انداز می کند.

### قافیه:

منظور از قافیه حرف یا حروف مشترک معینی است در پایان کلمات قاموسی نامکرر مصرع های یک شعر. (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۹: ۲۹) زیرا قالب تاثیر موسیقایی غزل بر دوش قافیه است. در غزل نو می توان قافیه را از چند لحاظ بررسی کرد.

۱\_ کاربرد متفاوت قافیه: که می توان از آن به عنوان تصرف در قافیه نام برد. ( مدرس و کاظم

زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۴)

یک داستان محرمانه، پیش از این متن

بین من و تو اتفاق افتاد و بعد...

از فرط وحشت، ناگهان آغاز کردند

ما را\_ و در این یک پلان آغاز کردند

( آذریک، ۱۳۸۳: ۴۱ )

در این غزل ابیات آغازین دارای قافیه ای متفاوت با سایر قافیه ها در ابیات دیگر می باشد. که البته سبب نوآوری در فرم نیز شده است. زیرا مسبوق به سابقه نبوده است که ابیات آغازین غزل قافیه های متفاوت داشته باشند. معمولاً در غزل بیت اول دارای دو قافیه ی همسان می باشد که در این غزل بیت دوم دارای قافیه ی یکسان می باشد.

۲\_ استفاده از حروف یا پیوند در قافیه: یعنی قافیه به جای اینکه از نظر دستوری، اسم یا فعل باشد، حرف است. ( مدرس و کاظم زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۵ )

یک غروب باستانی ناگهان                      اسب تک شاخ خدایان، مرد تنها\_ ناگهان

( آذریک، ۱۳۸۳: ۱۹ )

در غزل « سوار اسب تک شاخ» از ناگهان، که یک قید است به عنوان قافیه استفاده شده است.

«این همه وقت را کجا بود؟!» چشمه‌هایش نشست، آبم کرد

و دلم از سکوت سرخس خواند خط به خط، شرح ماجرایش را

هر دو محلول هم شدیم و بعد سطر پرواز اتفاق افتاد

آنچنان ناگهان که شعر من باز گم کرد، دست و پایش را

( همان: ۳۲ )

در این غزل ترکیبی از اسم و حروف اضافه « را» به عنوان قافیه قرار گرفته است.

۳\_ قافیه ی ناقص: یعنی قافیه از لحاظ وزن با سایر قوافی متفاوت باشد. و از لحاظ وزنی یک هجا کم یا اضافه داشته باشد. در غزل « ایکاروس» آذریک تعمداً « میرود و نمی رسد» را در بیت اول هم قافیه قرار داده است، که سایر قوافی از ابیات بعد متفاوت است.

اسب شیهه می کشد، و باز پیش می رود

باد هم به گرد چهار نعل او نمی رسد

می رود و موج نور چشم های من، در آن

سرعت شراره خیز او شکسته می شود

می رود و می رسد به اوج ابرها و باز

پشت نازکش به سقف آسمان که می خورد

قطره قطره، واژه واژه روی متن سرخ من

شعر شیهه می کشد و باز پیش می رود

( آذریک، ۱۳۹۷: ۱۰۵ )

۴\_ قافیه ی درونی: قافیه ی درونی بین دو کلمه در یک مصراع ایجاد می شود. ( تکرار آوایی

ناقص پایانی) و در گذشته ی شعر فارسی سابقه داشته است. ( حقوقی، ۳۱۸\_۳۱۹ )

بغض هزاره عریان شد، در خود شکست باران شد

لبهای خسته را وا کرد- آن سایه ی تعفن زا ( آذریک، ۱۳۸۳: ۲۱ )

« عریان شد» و « باران شد» قافیه درونی هستند که یکی از نوآوری های منحصر به فرد آذریک

در غزل معاصر به شمار می رود و در کار او با بسامد فراوان تکرار شده است.

دل خودش را بلعید، دست و پایش لرزید

ریخت یکباره روی خواب بستر ( همان: ۲۵ )

« بلعید» و « لرزید» در مصرع اول قافیه درونی می باشند.

یک غروب غمبار، هفت گاو پروار

طعمه شد در کام هفت گاو لاغر ( همان )

« غمبار» و « پروار» در مصرع اول قافیه درونی اند.

یادش ب خیر! بازی عاشق کش فراق

تو آن ور اتاق، من این ور اتاق ( آذربیک، ۱۳۹۷: ۱۶۱)

« اتاق » و « اتاق » در مصرع دوم قافیه ی درونی هستند.

۵\_ قافیه ی مثنوی در غزل: شاعر از قافیه ی مثنوی در غزل استفاده می کند به گونه ای که قافیه در هر مصرع با مصرع بعد متفاوت است.

تا که در خواب غوطه ور هستند	میکشم بر سر شما فریاد
ناگهان خواب ها مچاله شدند	متکاها همه زباله شدند
شاعر از پشت پنجره فریاد شد	شهر پشت سرش به راه افتاد
«ای مردم! طلوع یعنی این	قطره قطره شروع یعنی این

( آذربیک، ۱۳۹۷: ۱۷۶)

شاعر با استفاده از قافیه ی قالب مثنوی در غزل علاوه بر نوآوری در فرم هر جا که متنش اقتضا کند از قافیه ی مثنوی بهره برده اس. در واقع آذربیک از محدودیت های قالب غزل فراروی کرده و با ارتباط بی واسطه با سایر قوالب، از بعد افراطی، انحطاطی، انحصاری قافیه ی یکسان در غزل برای بیان سخن خویش که قافیه ی مثنوی می طلبید بدون درگیری ذهنی با قافیه در غزل به سراغ قافیه مثنوی رفته است و به صورت هنرمندانه آن را با غزل به هم افزایی رسانده است. و حاصل آن نزدیک کردن بافت غزل با ساختار دکلماسیون طبیعی گفتار است.

۶\_ نوآوری در قافیه و ردیف: معمولا شعرا از قافیه و ردیف هایی بهره می برند که در شعر کلاسیک اتفاق افتاده است و یا در غزل معاصر رایج می باشد، اما آذربیک در غزل « خانم سلام » از قافیه و ردیفی بهره برده است که تا کنون در غزل گذشته و معاصر بی سابقه بوده است.

خانم سلام! حال من و حال تو یکی ست

بد یا که خوب، مال من و مال تو یکی ست

تقویم بین من و تو ده سال سد کشید

غافل از آنکه سال من و سال تو یکی ست (همان: ۱۳۶)

۷\_ قافیه ی اشتباه: شاعر به عمد در غزل « ۲۹ » از مجموعه « دوشیزه به عشق باز می گردد » در بیت آخر قافیه ی اشتباه به کار برده است.

عشق پیدا شد و زمین چون مرد      ماه را در خودش تصرف کرد

( همان: ۱۵۱ )

۸\_ هم قافیه نبودن ابیات: در نمونه ی زیر بیت آغازین با سایر ابیات هم قافیه نیست اما جزء غزل به شمار می رود. و نوآوری شاعر در قافیه محسوب می شود؛ زیرا آگاهانه این کار را انجام داده است.

یک داستان محرمانه، پیش از این متن

بین من و تو، اتفاق افتد و بعد...

از فرط وحشت، ناگهان آغاز کردند

ما را ئ در این یک پلان آغاز کردند. ( آذریک، ۱۳۸۳: ۴۱ )

نتیجه گیری:

با مطالعه بررسی آثار آرش آذریک مشخص شد که آذریک با ادامه ی راه سیمین بهبهانی و ارتباط بی واسطه با اوزان ابداعی ایشان، اوزان کلاسیک، و سایر قوالب، ابتدا یکی از رواج دهندگان اوزان سیمینی در غزل می باشد. مخصوصاً اوزانی که به دکلماسیون طبیعی زبان نزدیک بوده و برای آذریک در جهت گفتاری نمودن غزل به عنوان یک ابزار محسوب می شوند. در واقع آذریک با بیان غزل گفتار در شعر معاصر ایران به نوعی نماینده و نوآور غزل گفتار محسوب می شود. که توانسته است احساسات و عواطف و افکار خویش را با بهره گیری از زبان گفتار ( نه زبان عامیانه و سهل گرایانه) در عین فاخر بودن کلام به هم افزایی برساند و در این راه بیشتر از اوزانی بهره برده است که به دکلماسیون زبان کمک می کند.



